



## برنامه های قرآن در سبک و سیاق زندگی اجتماعی

اصغر طهماسبی بلداجی<sup>۱</sup>

### چکیده

قرآن کریم جامع ترین و کامل ترین کتاب آسمانی است که برای هدایت بشر استوارترین و کامل ترین برنامه ها را پایه ریزی می کند. جامعیت قرآن در این مطلب نهفته که روشن گر هر چیزی است که انسان در راه رسیدن به کمال و سعادت دنیا و آخرت به آن نیازمند است. قرآن کریم به تمام نیازمندی های انسان در راه سعادت و کمال، از جمله مواردی که در زندگی به آن نیازمند است پاسخ گفته و با تاثیرات مفید و متقن، بهترین برنامه زندگی را از لحاظ فردی و اجتماعی پایه ریزی می کند. نوشته حاضر می کوشد به بررسی تاثیرات قرآن در زندگی اجتماعی بپردازد و از این رهگذر تصویری از این تاثیرات را ارائه نماید.

### کلید واژه ها

قرآن، زندگی اجتماعی، روابط اجتماعی، سعادت و کمال.

## مقدمه

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که بر آخرین فرستاده الهی حضرت محمد (ص) نازل شده است. این کتاب که هدایت کننده به استوارترین راه است (یهدی للتی هی اقوم)، مخصوص به دوره خاصی از زندگی انسان نیست، بلکه مخصوص تمامی انسان ها در تمامی اعصار و دوره ها است. قرآن کتابی است جامع و کامل، زیرا در بردارنده تمامی مواردی است که سعادت دنیا و آخرت انسان را تامین می کند. امور دنیوی و مناسبت های اجتماعی تاثیر شگرفی در روحيات و کمال انسان و تامین سعادت واقعی وی دارند و به همین جهت قرآن هرگز نمی تواند از دخالت در این امور چشم پوشی کند و باید برای تمامی آنها برنامه ای جامع ارائه دهد. قرآن با ارائه برنامه ای جامع و کامل در امور دنیوی و اخروی، سعادت انسان را در هر دو جهان تضمین می کند. با این همه، تاثیراتی را که قرآن بر روی زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد، نمی توان نادیده گرفت. زیرا برنامه زندگی فردی و اجتماعی انسان را به طور کامل بیان می کند و انسان با عمل به این برنامه می تواند سعادت دنیوی و اخروی خود را تضمین کند. در این پژوهش که یکی از مسائل به روز و تاثیر گذار است به بررسی مواردی که قرآن در زندگی اجتماعی در آنها تاثیر گذار است پرداخته شده است.

## برنامه های قرآن در سبک و سیاق زندگی اجتماعی

سعادت و کمال انسان و آن چه که انسان در این راه به آن نیاز دارد در قرآن نهفته است. علامه طباطبایی در این باره می نویسد: دین اسلام بهتر از هر دین دیگری سعادت زندگی بشر را تامین و تضمین می کند و این دین از راه قرآن مجید به دست مسلمانان رسیده است و مواد دینی اسلام که یک سلسله معارف اعتقادی و قوانین اخلاقی و عملی است ریشه اصلی آنها قرآن مجید است. خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی در این زمینه می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء/۹)

«وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَي هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹) و روشن است که در قرآن مجید اصول عقاید دینی و فضایل اخلاقی و کلیات قوانین عملی در آیات بسیاری نقل شده

است. (طباطبائی، ۱۳۸۷، ش ۲۴-۲۳)

بنابراین دین اسلام کامل ترین و جامع ترین دین برای هدایت انسان و رساندن او به کمال است و معارف دین اسلام از دو منبع غنی و مهم سرچشمه می گیرد که آن دو منبع، قرآن کریم و سخنان اهل بیت (ع) است. قرآن کریم جامع معارفی است که می تواند سعادت یک انسان را تضمین کند. قرآن کریم تاثیرات بسیار بالا و والایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد به شرط آنکه معارف والای این کتاب آسمانی در زندگی پیاده شود.

قرآن کریم علاوه بر اینکه در زندگی فردی انسان تاثیرات به سزایی دارد، در زندگی اجتماعی انسان ها نیز تاثیر والایی دارد. همان گونه که قرآن کریم راه سعادت و کمال یک انسان را در زمینه های فردی به او می نمایاند در زمینه اجتماعی نیز راهکارهای کمال و سعادت و مدینه فاضله بودن یک جامعه را ارائه می دهد. راهکارهایی که قرآن در زندگی اجتماعی مطرح می کند یقینی و مطمئن و تضمین کننده سعادت زندگی اجتماعی است. مواردی که در زمینه زندگی اجتماعی و جامعه در قرآن کریم مطرح می باشد اگر به نحو متعالی در زندگی کاربردی شوند و جنبه اجرایی پیدا کنند یقیناً جامعه ای را خواهیم دید که در حکم یک مدینه فاضله می باشد. در ادامه به بررسی نقش جامعه و زندگی اجتماعی در قرآن و تاثیرات قرآن در زندگی اجتماعی می پردازیم.

### (۱) هویت بخشی اجتماعی

لازم است بدانیم آیا جامعه و زندگی اجتماعی مورد توجه قرآن می باشد؟ یا فقط به جنبه زندگی فردی توجه شده است؟ در پاسخ باید گفت: قرآن برای هر دو وجه زندگی انسان یعنی فردی و اجتماعی شخصیت قائل است. شهید مطهری این سوال را اینگونه پاسخ می گوید: قرآن برای جامعه شخصیت قائل است. واقعاً برای جامعه حقیقتی و واقعیتی قائل است و افراد را عضو آن واقعیت می داند. افراد انسان در حکم درختان یک باغ نیستند، بلکه در حکم اعضای یک پیکرند. چون گذشته از اینکه مقررات اسلامی بر همین پایه گذاشته شده است یعنی تنها جنبه فردی ندارد، نمی گوید فرد هیچ ارتباطی با افراد دیگر ندارد، بلکه برای اصلاح فرد که «جزء» هست، اصلاح «کل» را لازم می شمارد و هر فردی به خاطر خودش هم که هست مسئول آن کل و آن جمع است. اساساً در قرآن به همین

صورت این منطق تایید شده است. قرآن برای اقوام و به تعبیر خودش «امم» شخصیت قائل است. همان طور که هر فردی یک شعور خاص به خود دارد، جامعه هم یک شعور خاص به خود دارد. همان طور که از نظر قرآن هر فردی یک کتاب دارد و یک نامه عمل وارد که آن نامه عمل فردی است، هر امت هم یک کتاب مستقل دارد. (مطهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۳، ۱۴۵-۱۴۴) آیات فراوانی این موضوع را تاکید می کند. که قرآن برای جامعه و زندگی اجتماعی شخصیت و هویت قائل است از جمله آیات زیر که خداوند سبحان می فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سِوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبُوبَكْرٍ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سِوَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۲۶-۲۷) تا در ادامه همین سوره می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۳۳) خداوند کارهای زشت را، چه ظاهری و چه باطنی، چه آنچه علنی است و چه آنچه که مخفی و مربوط به روان و باطن انسان است و کارهای بد و طغیانها را و قیامهای بدون حق را و شرک را و نسبت دادن به خدا چیزی را که انسان نمی داند همه را حرام کرده است. در ادامه خداوند می فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف/۳۴) برای هر امت و قومی پایانی است.

اصلاً خود آن آیه فواحش را که ذکر می کند، معلوم است که می خواهد علل به پایان رسیدن را ذکر کند. از آیات دیگر قرآن نیز این مطلب استفاده می شود که هر امتی پایانی دارد و آن وقتی که پایانش برسد، از وعده قطعی الهی یک ذره تخلف نمی کند، نه لحظه ای پیش می افتد، نه لحظه ای پس، اینچنین قطعی و ضروری است. (همان، ۱۴۶)

## ۲) توسعه فرهنگ تعاون و کار جمعی

همکاری و تعاون یکی از اساسی ترین و مهم ترین برنامه هائی است که یک جامعه موفق به آن نیاز دارد. تاثیرات قرآن در این حوزه غیرقابل انکار است و به طور ایجاز و اختصار به مواردی اشاره می کند که جامع و کامل مطالب را در این حوزه بیان می کند. از جمله در این آیه مبارک که خداوند

سبحان می فرماید: «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده/۲)

آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می گیرد. طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند اما همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هرچند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد.

این اصل در مناسبات بین المللی امروز نیز حکومت می کند و غالباً کشورهای هم پیمان، و یا آنها که منافع مشترکی دارند، در مسائل مهم جهانی به حمایت یکدیگر برمی خیزند بدون اینکه اصل عدالت را رعایت کنند و ظالم و مظلوم را از هم تفکیک نمایند. اسلام خط بطلان بر این قانون جهانی کشیده است و دستور می دهد تعاون و همکاری با یکدیگر تنها در کارهای نیک و برنامه های مفید و سازنده باشد نه در گناه و ظلم و تعدی. در آیه فوق «بر» و «تقوا» با هم ذکر شده اند که یکی جنبه اثباتی دارد و اشاره به اعمال مفید است و دیگری جنبه نفی دارد و اشاره به اعمال خلاف می باشد. به این ترتیب تعاون و همکاری باید هم در دعوت به نیکی ها و هم در مبارزه با بدیها انجام گیرد. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی و خویشاوندی با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام برمی دارند همکاری کنند و از همکاری کردن با افراد ستمگر و متعدی در هر گروه و طبقه ای که باشند خودداری نمایند، بسیاری از نابسامانیهای اجتماعی سامان می یابد. اگر در مجامع بین المللی دولت های دنیا با متجاوز، هرکس و هر دولتی که باشد همکاری نکنند، تعدی و تجاوز استعمار و استثمار از جهان بر چیده خواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ۲۵۴-۲۵۳)

این دستوری که خداوند در این آیه داده است اساس سنت و رویه اسلامی است و مراد از «بر» ایمان و احسان در عبادات و معاملات است و تقوی عبارت از مراقبت امر و نهی خداست بنابراین برگشت معنی تعاون بر و تقوی به اجتماع بر ایمان و عمل صالح بر اساس تقوی و پرهیزکاری از خداست. و این صلاح و تقوی اجتماعی است و مقابل آن همکاری بر اثم یعنی عمل بد است که باعث عقب افتادگی در کارهای یک زندگی سعادت مند می شود. (طباطبائی، ۱۳۶۷ ش، ج ۵، ۲۵۳) کوتاه سخن این که یکی از شاخصه های مسلم برای سعادت یک جامعه تعاون و همکاری است. به شرط اینکه تعاون و همکاری در

کارهای نیک و صالح باشد که این راهکار مهم را قرآن کریم به زیبایی پیش روی انسان گذاشته است.

### ۳) توسعه فرهنگ قانون گرایی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/۵۹)

این آیه در مورد یکی از مهمترین مسائل اسلامی یعنی مسئله رهبری بحث می کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسائل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می سازد. نخست به مردم با ایمان دستور می دهد که از خداوند اطاعت کنند، بدیهی است برای یک فرد با ایمان همه اطاعتها باید به اطاعت پروردگار منتهی شود. و هرگونه رهبری باید از ذات پاک او سرچشمه گیرد.

در مرحله بعد فرمان به پیروی از پیامبر(ص) می دهد پیامبری که معصوم است و هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی گوید. و در مرحله سوم فرمان به اطاعت از اولوالامر می دهد که از متن جامعه اسلامی بر خاسته و حافظ دین و دنیای مردم هستند. و اولوالامر همین جانشینان به حق پیامبر(ص) از طرف خدا که همان امامان معصوم هستند، می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ۴۳۵-۴۳۴)

و در زمان غیبت آخرین معصوم(آخرین اولوالامر) امام زمان (عج)، رهبری جامعه اسلامی برعهده ولایت فقیه می باشد. با احادیثی که از امامان معصوم (ع) به ما رسیده، در زمان غیبت امام زمان (عج) باید از ولایت فقیه اطاعت و پیروی کرد. از جمله پیام های این آیه در زمینه قانون مندی و قانون گرایی در جامعه این می باشد که مردم باید نظام اسلامی را بپذیرند و از رهبران الهی آن در قول و در عمل پشتیبانی کنند. از جمله وظایف حکومت اسلامی در این زمینه، ایجاد وحدت و حل تنازعات است. (قرائتی، ۱۳۸۴ ش، ج ۲، ۳۱۴-۳۱۳) بنابراین تاثیر قرآن در این زمینه این است که قانون مندی و قانون گرایی را در رابطه اجتماعی افراد به وجود آورده و آنها را ملزم به پیروی از قانون و کسی که قانون را وضع می کند، می نماید.

### ۴) توسعه فرهنگ مساوات

یکی از مهم ترین برنامه هائی که در بحث روابط اجتماعی باید رعایت شود اصل تساوی در برابر قانون است. بسیار شنیده ام که امام امت اسلام و حجت خدا بر زمین، امام علی (ع) در زمینه ای با یک نفر

غیرمسلمان در محکمه قضاوت حضور پیدا کرده و از قانون پیروی می کند. این یکی از با ارزش ترین تأثیرات قرآن در جامعه است که اجرایی شدن آن نقش والایی در سعادت جامعه دارد. قرآن کریم برخلاف سنتهای قبیلگی و افتخارات قومی و آداب و رسوم منطقه‌ای، که ثروت و زبان و نژاد را عامل برتر می دانند؛ قلم بطلان و نادرستی بر این گونه تمایزات که همواره موجب اختلاف و بروز جنگ و تجاوز گردیده، می کشد. قرآن با این که این مطلب را بیان می کند که افراد بشر از لحاظ خلقت چه از نظر مظاهر مادی و چه از نظر لیاقت و استعداد و مظاهر روحی یکسان نیستند؛ ولی این نا برابری و عدم مساوات را ملاک برتری و امتیاز بعضی بر بعضی دیگر ندانسته و هم افراد بشر را از لحاظ حقوق و تکالیف یکسان می داند. مساواتی که قرآن میان انسان‌ها قائل است. شامل دو قسمت عمده است: مساوات در اصل انسانیت و مساوات در حقوق و اجرای قوانین، که آیات زیر دربرگیرنده این موضوع می باشند: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ » (حجرات/۱۳)

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء/۵۸)

عدم مساوات در حقوق انسان‌ها، یعنی قراردادن گروهی از مردم، مافوق قانون و گروهی زیر آن، چیزی است که برای قانون وضع آشفته‌ای به وجود می آورد و از هیبت و عظمت آن می کاهد، و هدف از قانون که تنظیم روابط افراد و صلاح امور جامعه است به کلی منتفی می شود. اهمیت این اصل (تساوی همه انسان‌ها در برابر قانون و اجرای آن در حق همه بدون استثنا) به حدی است که اسلام، اطاعت و تسلیم در مقابل قانون را از شرایط تحقق ایمان و صدق ادعای مدعیان آن شمرده است آنجا که خداوند می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء/۶۵) بنابراین یکی از مهم ترین اصل‌ها در زندگی اجتماعی، تساوی در برابر قانون و پیروی از آن است که قرآن به صراحت به این مطلب اشاره کرده است.

## ۵) توسعه فرهنگ وفای به عهد و امانت داری

قرآن کریم در آیات بسیاری به مسلمانان دستور می دهد به معاهدات خویش پای بند باشند و

اینچنین به توسعه فرهنگ وفای به عهد و امانت داری پرداخته است. بیشترین تعبیری که در سفارش به پای بندی به عقود و معاهدات در این آیات به کاررفته، تعبیر «وفا» و رعایت است و رایج ترین تعبیری که در مورد خود آنها به کاررفته «عمد» است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ش، ۳۶۰-۳۵۹). آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون/ ۸) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِمَّةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (مائده/ ۱)

مساله وفای به عهد و پیمان از اساسی ترین شرائط زندگی دسته جمعی است و بدون آن هیچ گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست و بشر با از دست دادن آن، زندگی اجتماعی و اثرات آن را عملاً از دست خواهد داد. به همین دلیل در منابع اسلامی تاکید فوق العاده ای روی این مساله شده است و شاید کمتر چیزی باشد که این قدر گسترش داشته باشد. زیرا بدون آن هرج و مرج و سلب اطمینان عمومی که بزرگترین بلای اجتماعی است در میان بشر پیدا می شود. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: خداوند چیزی جز عمل صالح از بندگان خود نمی پذیرد و جز وفای به شروط و پیمانها را قبول نمی کند. (محدث قمی، ج ۴، ۲۲۹) پیامبر(ص) نیز در این رابطه می فرماید: آن کس که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ۱۴۴) بنابراین وفای به عهد نشان از دین دار بودن شخص می کند که این مهم به وسیله قرآن و اهل بیت(ع) تذکر داده می شود.

## ۶) توسعه فرهنگ کار و تلاش

یکی دیگر از برنامه های قرآن توسعه فرهنگ کار و تلاش است و موفقیت انسان را در گرو کار و عمل می داند، چه موفقیت معنوی و اخروی و چه موفقیت دنیوی چنان که می فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» «وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» «ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى» (نجم/ ۳۹-۴۱) در آیات فوق اشاره به سه اصل از اصول مسلم اسلامی شده، که کتب آسمانی پیشین نیز به عنوان اصول مسلمی شناخته شده است.

الف) هرکس مسئول گناهان خویش است.

ب) چهره هرکس در آخرت همان سعی و کوشش اوست.

ج) خداوند به هرکس در برابر عملش جزای کامل می دهد.



این اعتقاد اسلامی سبب می شود که انسان به جای پناه بردن به خرافات و یا گناه خویش را به گردن این و آن افکندن، به سراغ سعی و تلاش و کوشش در اعمال خیر برود، و از گناه بپرهیزد. درست است که این آیات ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است، ولی ملاک و معیار اصلی آن، دنیا را نیز دربرمی گیرد به این معنی که افراد با ایمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برای آنها کار کنند، و مشکلات جامعه آنها را حل نمایند. بلکه خود دامن همت به کمر زده و به سعی و تلاش و کوشش برخیزند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲۲، ۵۵۳-۵۵۲) در نتیجه تلاش و کوشش در واقع مخصوص این دنیا است که هم ثمرات مادی آن در این دنیا و هم ثمرات معنوی در آخرت نصیب انسان می گردد.

کار در نظام ارزشی اسلام راز آفرینش و حکمت وجود مطرح است. آدمی جوهره وجودی خویش را با سعی و تلاش می نمایاند و ارزش حقیقی خود را با کار تعیین می کند. خداوند سبحان انسان را خلق کرد و روح منسوب به خویش را در او به ودیعت نهاد «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/۲۹)

و هر چه که در جهت کسب کمالات و تعالی روحی و مادی، ضروری بود مسخر وی ساخت. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان/۲۰) و او را به وصف کرامت و فضیلت بر بسیاری از پدیده‌ها ستود.

دین الهی، انسان را به کرامت ستود تا با کار و کوشش هم به عمرانی و آبادانی زمین بپردازد «وَالِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعِفَرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود/۶۱) و هم با کارهای شایسته به قامت وجودی خود پی برد و کرامت نفسانی خویش را تحصیل کند.

عزت و کرامت و استقلال هر ملتی در گرو همت و تلاش آن ملت است چنان که فرومایگی و زبونی و هر ملتی، پیامد تنبلی و راحت طلبی و بیکاری اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش، ۱۵۳-۱۵۲)

## ۷) توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

یکی از برنامه های قرآن، امر به معروف و نهی از منکر است که آثار آن به خوبی در فرد و جامعه قابل رصد

می باشد. در این زمینه نیز آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد از جمله «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه کریمه می نویسد: دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که اگر واجب باشد طبعاً واجب کفایی خواهد بود. چون بعد از آنکه فرضاً یکی از افراد جامعه این امور را انجام داد، دیگر معنا ندارد که بر سایه اجتماع نیز واجب باشد که همان کار را انجام دهند. پس افرادی در جامعه هستند که این کار را انجام می دهند ولی بازخواست و عقاب در تخلف این وظیفه، متوجه تک تک افراد است. اما پاداش و اجرش از آن کسی است که وظیفه را انجام داده باشد و به همین جهت است که می بینیم دنباله جمله فرمود: «و اولئک هم المفلحون» (شمس، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ۲۶۴-۲۶۳)

در آیه دیگر خداوند می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران ۱۱۰)

در این آیه نیز امر به معروف و نهی از منکر از مسائل زیربنایی اسلام مطرح شده است. بهتر بودن امت اسلام که برای خلق نمونه کامل است بر سه پایه استوار است. ایمان به خداوند، امر به معروف و نهی از منکر. از نظر عقل نیز این مطلب کامل و صحیح است چرا که وقتی امتی به خدای یگانه ایمان داشته باشد، تکلیف انسانی خود را در امر به معروف و نهی از منکر به طور کامل انجام خواهد داد و نیرومند و استوار و پایدار و نمونه عالی برای دیگران خواهد بود. دو اصل مهم توبیخ و تشویق، نگهبان جامعه است و باید جامعه داری حافظه باشد و سوابق افراد خود را حفظ کند و همیشه نیکوکاران را پاداش و بد کاران را کیفر دهد تا فساد و تباهی در آن ریشه نزنند. (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ ش، ۳۶۸) در آیه قبل (۱۰۴ آل عمران) امر به معروف را مخصوص عده‌ای از مسلمین می داند ولی در آیه دوم، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را عمومی دانسته و وظیفه همه مسلمانان می شمارد. کنار هم قرار دادن این آیات نکته‌ای را به ما القاء می کند و آن این است که تمام جامعه وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بایستی انجام دهند، ولی در خود جامعه هم باید عده‌ای باشند که بر انجام این فرضیه نظارت کنند. آنان در سطحی بالاتر کارهای اجتماع را در نظر می گیرند و دستورات اجتماعی می دهند و البته همه مردم باید وظایف فردی خود را نسبت به هم فراموش نکنند. علاوه بر این استفاده از افعال

مضارع همچون (یدعون، یامرون، ینهون و...) در آیات شریفه حکایت از لزوم استمرار و دوام این فریضه در طول تاریخ و گذشت اعصار دارد. (غضنفری، ۱۳۸۲، ش، ۲۲۶-۲۲۵)

در آیات دیگر نیز خداوند این فریضه را متذکر می شود از جمله: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه آیه ۷۱) در مجموع تاثیرات والایی که این فریضه می تواند در زندگی فردی و اجتماعی بگذارد غیرقابل انکار است به همین خاطر است که به این امر مهم در قرآن کریم توجه ویژه‌ای شده و همین طور روایات فراوانی از ائمه معصومین در این زمینه وجود دارد که حیاتی بودن این امر را در زندگی بشر نشان می دهد. با انجام این فریضه جامعه به سمت رشد و شکوفایی و تکامل پیش می رود.

## ۸) توسعه فرهنگ مشاوره و راهنمایی

یکی دیگر از برنامه های قرآن برای رشد و تکامل جامعه توسعه فرهنگ مشورت و راهنمایی می باشد. مشورت به معنای با هم اندیشیدن است. با هم اندیشیدن در کارهایی که به سود و منفعت جامعه می باشد. بسیاری از کسانی که در زندگی دچار شکست می شوند به این خاطر بوده که در زندگی خود رای بوده اند و با کسانی که صلاحیت مشورت را دارند، مشورت نکرده اند. قرآن کریم نیز این امر مهم را به خوبی بیان می کند از جمله در این آیه کریمه که می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَا تُرْمُونَ فَطَاءً غَلِيظًا لَنْفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)

مشورت کردن در مصالح عمومی از امور مهم می باشد که یکی از نتایج آن جلب اعتماد عامه است. با این مشورت کردن مردم خود را شریک در تعیین سرنوشت خود می بینند. (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰، ش، ۴۲۴)

امام علی (ع) در مورد اهمیت مشورت می فرماید: «لا ظهير كالمشاوره و الاستشارة عين الهداية» یعنی هیچ پشتیبان و تکیه گاهی همچون مشورت نیست و مشورت عین هدایت است. (حرّعاملی، ج ۴، ۴۲۵) و روایات زیادی که در همین باب از معصومین (ع) به ما رسیده است که اهمیت مشورت کردن را می رساند. و تاثیراتی که در تصمیم گیری های مصمم در زندگی اجتماعی دارد.

## ۹) توسعه فرهنگ نظم و انضباط

قرآن کریم به مسئله نظم در روابط اجتماعی اهمیت زیادی داده است و این مطلب از مهم ترین ارکان روابط اجتماعی است که در این قسمت به چند محور در این رابطه اشاره می‌کنیم.

### • الف) وظیفه شناسی

خداوند سبحان می‌فرماید: « لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ » (بقره/۱۷۷)

خداوند در این آیه مبارک به بیان مهم ترین اصول نیکی‌ها در ناحیه ایمان و اخلاق و عمل اشاره می‌کند که هر انسان وظیفه شناس مومن به آن‌ها عمل می‌کند. از جمله ایمان به مبدء و معاد در برنامه‌های الهی و پیامبران که مامور ابلاغ و اجرای این برنامه‌ها بودند، و فرشتگانی که واسطه ابلاغ این دعوت محسوب می‌شدند. ایمان به اصولی که تمام وجود انسان را روشن می‌کند و انگیزه نیرومندی برای حرکت به سوی برنامه‌های سازنده و اعمال صالح است. دومین اصلی که پس از ایمان به آن اشاره می‌کند، انفاق و ایثار و بخشش‌های مالی است که برای رضای خداوند انجام می‌شود. (این اصل تاثیر والایی در زندگی اجتماعی و در بحث اقتصاد دارد، زیرا اگر این اصل در زندگی انسان نهادینه شود، با انفاق و بخشش جلوی بسیاری از کسانی که قادر به تامین نیازهای خود نمی‌باشند و از راه غیر مشروع کسب درآمد می‌کنند گرفته می‌شود.)

سومین اصل از اصول نیکی‌ها برپاداشتن نماز است که می‌فرماید: آنها نماز را برپا می‌دارند. نمازی که اگر با شرائط و حدودش و با اخلاص و خضوع انجام گیرد انسان را از هر گناه باز می‌دارد و به هر خیر و سعادت تشویق می‌کند. چهارمین اصل از اصول، اداء زکات و حقوق واجب مالی است. ادای حقوق واجب مالی یک وظیفه الهی و اجتماعی است و اصولاً نیازمندان طبق منطق اسلام، در اموال ثروتمندان به نسبت معینی شریک هستند. پنجمین ویژگی این افراد، وفای به عهد است. زیرا سرمایه

زندگی اجتماعی اعتماد متقابل افراد جامعه است و از جمله گناهایی که رشته اعتماد و اطمینان را پاره می‌کند و زیر بنای روابط اجتماعی را سست می‌کند ترک وفای به عهد است به خاطر همین مطلب است که در روایات اسلامی چنین می‌خوانیم که مسلمانان موظفند سه برنامه را در مورد همه انجام دهند، خواه طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکار و آن سه عبارتند از: وفای به عهد، ادای امانت و احترام به پدر و مادر.

ششمین و آخرین برنامه این گروه از افراد وظیفه شناس و نیکوکار، صبر و استقامت است که در مواقع حساس از جمله جنگ در برابر دشمن، بیماری و ...، این عمل را انجام می‌دهند. در پایان آیه به عنوان جمع بندی و تاکید برشش صفت عالی گذشته می‌فرماید: اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و اینها پرهیزکارانند. نکته مهم و جالب اینجاست که شش صفت برجسته فوق شامل اصول اعتقادی و اخلاقی و برنامه‌های عملی است. در زمینه اصول اعتقادی تمام پایه‌های اصلی ذکر شده و از میان برنامه‌های عملی به انفاق و نماز و زکات، و از میان برنامه‌های اخلاقی تکیه بر وفای عهد و استقامت و پایداری شده که ریشه همه صفات عالی اخلاقی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ۶۰۱-۵۹۸) با ذکر این مطالب معلوم می‌شود که قرآن برنامه یک انسان نیکوکار و مومن را بیان می‌کند و راه رسیدن به کمال و سعادت را در انجام این برنامه می‌داند به طوری که اگر کسی این ویژگی‌ها را داشته باشد و مانند یک انسان وظیفه شناس به وظایف خود در موارد متعدد عمل کند، رستگار خواهد شد. (اولئک هم المفلحون)

#### • (ب) اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق

یکی از اساسی‌ترین محورهای حفظ یک جامعه در راه کمال و سعادت، اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق است. محور اتحاد در یک جامعه باید خداوند باشد همچنان که خداوند می‌فرماید: «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳)

منظور از ریسمان الهی هرگونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله اسلام باشد یا قرآن یا پیامبر (ص) و اهل بیت (ص) به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع «ارتباط

با خدا» که از معنی «حبل الله» استفاده می شود، جمع است. این یک حقیقت است که انسان در شرائط عادی و بدون داشتن مربی و راهنما در جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این وضعیت نیاز به رشته محکمی دارد که به آن چنگ بزند و بیرون آید، این رشته محکم همان ارتباط با خدا از طریق قرآن و آورنده قرآن و جانشینان واقعی او می باشد، که مردم را از سطوح پائین و پست بالا برده و به آسمان تکامل معنوی و مادی می رساند. (همان، ج ۳، ۲۹-۲۸)

وحدت و دوری از تفرقه یک وظیفه و نعمت بزرگ الهی است. قرآن کریم یکی از مهم ترین و اساسی ترین محورهای حفظ یک جامعه اسلامی را تذکر می دهد، که تاثیر والایی در زندگی اجتماعی انسان گذاشته و جامعه را به سمت شکوفایی و رسیدن به کمال می برد.

### • ج) انضباط اقتصادی

یکی دیگر از مصادیق نظم در روابط اجتماعی، انضباط اقتصادی است. این مورد نیز نقش والایی در زندگی اجتماعی انسان ها دارد. با این همه قرآن کریم که کتابی جامع و کامل می باشد این موضوع را نیز بیان فرموده، در آنجا که خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء/۲۹)

در تفسیر این آیه کریمه نوشته اند که رمز این که نهی از قتل «لا تقتلوا» به دنبال نهی از حرام خوری، «لا تاكلوا» آمده است، شاید آن باشد که سیستم اقتصادی ناسالم، زمینه ی قیام محرومان علیه زراندوزان و بروز درگیری ها و پیدایش قتل و هلاکت جامعه است. (قرائتی، ۱۳۸۴ ش، ج ۲، ۲۷۴)

امام صادق (ع) می فرماید: «کسی که قرض بگیرد و بداند که نمی تواند پرداخت کند، مال باطل خورده است». (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵، ۹۵) و این سخن گهربار امام صادق (ع) همان انضباط اقتصادی است که مورد اشاره بحث ما است. باز در رابطه با همین موضوع امام باقر (ع) می فرماید: «ربا، قمار، کم فروشی و ظلم از مصادیق باطل است». (العروسی الحویزی، ج ۱، ۴۷۱)

این آیه در حقیقت زیر بنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی تشکیل می دهد و به همین دلیل فقهای اسلامی در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می کنند. مفهوم این آیه در حیطه مسائل اقتصادی این است که هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کامل مشخص نباشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد،

خرید و فروش و مسائل فساد و گناه باطل است. مگر اینکه تصرف در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت باطنی دو طرف سرچشمه گیرد. طبق این بیان، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت ها که در میان مردم رائج است چنانچه از روی رضایت طرفین صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد از نظر اسلام مجاز است. در حقیقت قرآن به یک نکته مهم اجتماعی اشاره کرده است و آن اینکه اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد (عدم انضباط اقتصادی) و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه (زندگی اجتماعی) گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است.

حوادث و انقلاب‌هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده، شاهد و گویای این حقیقت است و آنجا که خداوند به بندگان هشدار می دهد که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به نابودی و سقوط بکشاند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ۳۵۷-۳۵۵) بنابراین اگر در جامعه انضباط اقتصادی حاکم شد، جامعه دچار خودکشی و انتحار نمی شود و روابط سالم اقتصادی، زندگی اجتماعی سالم را رونق می بخشد و جامعه را به سمت و سوی کمال و سعادت رهنمون می سازد.

## نتیجه

قرآن کامل ترین کتاب آسمانی است که بیشترین، بهترین، والاترین تاثیرات را در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها دارد. مراد از تاثیرات، مواردی است که انسان را به سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی رهنمون می سازد. با این همه قرآن خط مشی زندگی فردی را برای انسان مشخص می سازد و مواردی را که وی از لحاظ فردی و اخلاق فردی ملزم به انجام یا ترک آن باشد تذکر می دهد و با این انسان سازی، جامعه را نیز بازسازی معنوی می کند. تاثیراتی که در زندگی اجتماعی دارد، جامعه را به سمت و سوی جامعه ای شکوفا از لحاظ سعادت و کمال رهنمون می سازد، جامعه ای آرمانی که در حکم یک مدینه فاضله باشد. کوتاه سخن این که قرآن آخرین کتاب آسمانی است و جامعیت آن مخصوص به انسان هایی در عصر خاصی نیست بلکه برای تمامی انسان ها در همه عصر ها و دوره ها

چه از لحاظ زندگی فردی و چه از لحاظ زندگی اجتماعی برنامه کامل و مدونی که انسان را به سعادت و کمال دنیا و آخرت رهنمون سازد، دارد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، تهران، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- جوادی آملی، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، قم: چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ش.
- حرعاملی، شیخ محمدحسن، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ق
- شمس، مرادعلی، با علامه درالمیزان، انتشارات اسوه، قم: چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
- طباطبائی، حمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه فارسی)، انتشارات بنیاد علمی وفکری علامه طباطبائی، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- همو، قرآن در اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- العروسی الحویزی، الشیخ عبدالعلی بن جمعه، نورالثقلین، مطبعه العلمیه، قم: [بی تا].
- غضنفری، علی، ره رستگاری، انتشارات لاهیجی، قم: چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران: چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۸ق.
- کمالی دزفولی، علی، قرآن و جامعه سازی، انتشارات اسوه، قم: چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۲ش.
- محدث قمی، سفینه البحار، انتشارات فراهانی، تهران: [بی تا].
- مصباح یزدی، محمد تقی، انسان سازی در قرآن، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، انتشارات صدرا، تهران: چاپ هجدهم، ۱۳۸۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ سی ام، ۱۳۷۲ ش.
- نجفی، موسی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- نوعی، غلامرضا، مدارا با مخالفان درقرآن و سیره نبوی، انتشارات کتاب مبین، قم: چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.